

جنایت کاران و جنگ طلبان دیروزی؛ صلح طلبان امروزی!

بهرام رحمانی
bahram.rehmani@gmail.com

مقدمه

کسانی که تا دیروز بر طبل جنگ و جنایت و کشتار می کوبیدند امروز دوشنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵ - برابر با ۲۱ مهر ۱۴۰۴، در شرم‌الشیخ مصر جمع شدند تا به اصطلاح درباره صلح در غزه و خاورمیانه و همچنین سرنوشت مردم فلسطین تصمیم گیری کردند. هم‌زمان با آزادی تمامی ۲۰ گروگان زنده توسط سازمان حماس، ترامپ وارد پارلمان اسرائیل شد. حماس، تمامی ۲۰ گروگان اسرائیلی زنده را تحویل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ داد. اسرائیل نیز در مقابل آزادی گروگان‌ها، حدود دو هزار فلسطینی را آزاد کرد. در همین حال دونالد ترامپ در پارلمان اسرائیل سخنرانی کرد و پس از دیدار با خانواده گروگان‌ها برای شرکت در اجلاس شرم‌الشیخ، راهی مصر شد. او پیش‌تر به خبرنگاران گفته بود که جنگ غزه تمام شده است. دونالد ترامپ در هواپیمای بازگشت از شرم‌الشیخ در پاسخ به سئوالی در مورد آینده غزه و راه‌حل دو کشوری گفت درباره آینده حاکمیت در غزه هنوز تصمیم نگرفته است. ترامپ تاکید کرد که نشست شرم‌الشیخ پیرامون بازسازی غزه بود و او هنوز پیرامون نحوه حاکمیت این باریکه تصمیم‌گیری نکرده است.



اجلاس شرم‌الشیخ

اجلاس شرم‌الشیخ با حضور رهبران حدود ۲۰ کشور برگزار شد و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، سند آتش‌بس غزه را امضاء کرد. بعد از ترامپ، عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر، شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هم اسنادی را امضاء کردند. این سند، بر اساس طرح صلح ترامپ، بر پایان جنگ غزه، تبادل اسرا (آزادسازی ۲۰ گروگان اسرائیلی زنده و صدها زندانی فلسطینی)، و افزایش کمک‌های بشردوستانه به غزه تاکید دارد. در سخنرانی افتتاحیه، ترامپ، که پیش از ورود به مصر سخنرانی‌ای در کنست اسرائیل ایراد کرده بود، گفت: «این لحظه‌ای خاص است. ما نه به دنبال جنگ‌های ابدی، بلکه صلح ابدی هستیم. غزه بازسازی خواهد شد و خاورمیانه به کانون تجارت و امنیت تبدیل می‌شود.» السیسی نیز بر نقش مصر در میانجی‌گری و لزوم «حمایت فنی و مالی بین‌المللی» برای بازسازی غزه پافشاری کرد و هشدار داد هرگونه عقب‌گرد از آتش‌بس، ثبات منطقه را به خطر می‌اندازد. از سوی محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، که به عنوان تنها نماینده فلسطینی حضور داشت، بر «حق خودمختاری فلسطینی‌ها» و پایان اشغال اسرائیلی اصرار ورزید. در این نشست اسرائیل، با وجود دعوت از سوی ترامپ، حضور نیافت. دفتر بنیامین نتانیا هو، اعلام کرد این غیبت به دلیل «نزدیکی زمان نشست به آغاز تعطیلات مذهبی یهودی (سیمحات تورا) است.» با این حال، برخی تحلیل‌گران این تصمیم را نشانه‌ای از عدم تمایل اسرائیل به پذیرش نقش تشکیلات خودگردان در اداره پساجنگ غزه می‌دانند، که با طرح ترامپ هم‌خوانی ندارد. حماس نیز به‌طور رسمی شرکت نکرد، زیرا تماس مستقیم با اسرائیل را رد کرده است. منابع رسانه‌ای معتبر ترکیه مانند روزنامه‌های «حریت»، «ملیت» و «ینی شفق» جزئیات این رویارویی دیپلماتیک را فاش کرده‌اند.

ماجرای زمانی آغاز شد که هیأت اعزامی ترکیه، در حالی که با هواپیمای ریاست جمهوری به سمت مصر در پرواز بود، از احتمال حضور بنیامین نتانیاهو در اجلاس مطلع شد. به گفته هانده فرات، خبرنگار همراه رییس جمهور، این خبر واکنش فوری آنکارا را در پی داشت. بلافاصله، هاگان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، از داخل هواپیما با همتای آمریکایی خود، مارکو روبیو، تماس اضطراری برقرار کرد و موضع قاطع ترکیه را به او ابلاغ نمود: اگر نخست وزیر اسرائیل در این نشست حضور یابد، رییس جمهور اردوغان و هیأت ترک در آن شرکت نخواهند کرد.

هم زمان با این رایزنی های فشرده، یک اتفاق نمادین و معنادار در آسمان رخ داد. هواپیمای حامل رجب طیب اردوغان، به جای فرود در فرودگاه شرم الشیخ، برای مدتی بر فراز دریای سرخ به گشت زنی و انتظار ادامه داد. این اقدام، یک پیام روشن به میزبانان و شرکت کنندگان بود: ترکیه تا زمان دریافت تضمین قطعی مبنی بر عدم حضور نتانیاهو، در اجلاس شرکت نخواهد کرد.

موضع سرسختانه ترکیه به سرعت با حمایت چندین کشور دیگر شرکت کننده در اجلاس همراه شد و یک جبهه واحد علیه حضور نتانیاهو شکل گرفت. در نهایت، فشارها نتیجه داد و پس از کسب اطمینان کامل از غیبت نخست وزیر اسرائیل، هواپیمای ریاست جمهوری ترکیه در فرودگاه شرم الشیخ به زمین نشست و اردوغان برای شرکت در اجلاس حاضر شد.

از سویی، جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود دعوت رسمی السیسی، در این جلسه شرکت نکرد. در این خصوص عراقچی اعلام کرد دعوت به رییس جمهور ارسال شده، اما نه پزشکian و نه من نمی توانیم با همتایانمان که به مردم ایران حمله کرده و هم چنان ما را تهدید و تحریم می کنند، تعامل کنیم. در همین رابطه وی در پستی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) افزود: «ایران همیشه مدافع صلح منطقه ای بوده و بر خلاف رژیم صهیونیستی، به دنبال جنگ های ابدی نیست، بلکه صلح، رفاه و همکاری پایدار می خواهد.

او تاکید کرد ایران از «بخش هایی از طرح ترامپ که ثبات منطقه ای را تقویت می کند حمایت می کند، اما هر صلی باید با «پایان اشغال و به رسمیت شناختن حقوق فلسطینی ها همراه باشد.

این موضع، ریشه در تنش های اخیر میان ایران و آمریکا (از جمله حملات به تاسیسات هسته ای ایران) دارد. در این خصوص غیبت ایران چالش هایی برای فراگیری ایجاد می کند و احتمالاً به قطبی سازی بیش تر منطقه منجر شود.

گام های بعدی طرح ترامپ چالش برانگیز خواهد شد

بعید به نظر می رسد گام های بعدی طرح ترامپ، بدون چالش پیش برود. به خصوص نتانیاهو، از طرح ترامپ، چندان راضی به نظر نمی رسد و با فشار ترامپ آن را پذیرفته است.

از سویی، با توجه به اقدام اخیر حماس در فراخوان و بسیج ۷ هزار نیرو، به نظر می رسد حداقل بخشی از نیروهای آموزش دیده این گروه، به ستون فقرات نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی دولت آینده فلسطین تبدیل شوند. در هر صورت نیاز است که کمی صبر کنیم و ببینیم روند تحولات به چه سمت و سویی خواهد رفت.

اما اگر رویکرد اسرائیل را مورد ارزیابی قرار دهیم، دو سناریو مطرح است. سناریوی اول این است که پس از طی مرحله نخست، یعنی سه اقدام اولیه شامل آزادی زندانیان دو طرف و عقب نشینی نظامیان در مرز تعیین شده، به دلیل اختلافاتی که پیش خواهد آمد به ویژه در مسائل مربوط به خلع سلاح حماس و اداره غزه احتمال دارد به احتمال زیاد نتانیاهو مجدداً به غزه لشکرکشی خواهد کرد. در این سناریو، اهرم های فشار از دست حماس خارج شده و این سازمان کارت بازی چندانی ندارد.

هرچند حماس اعلام کرده که از یک کمیته پنج جانبه ضمانت گرفته که این حمله رخ ندهد، اما واقعاً نمی توان به تعهدات نتانیاهو و دولت امنیتی تحت ریاست وی اطمینان داشت. سناریوی دوم اما احتمال دارد با توجه به مشکلات داخلی نتانیاهو در دولت و در جامعه اسرائیل و موانعی که اسرائیل در دستیابی به همه اهدافش داشته و فشار ترامپ، برای حفظ آبرو و برای جبران لطماتی که به پرستیژ او وارد شده، ممکن است چنین اتفاقی یعنی حمله مجدد اسرائیل به غزه رخ ندهد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در پنجمین روز توافق آتش بس میان حماس و اسرائیل؛ سازمان دفاع مدنی غزه امروز سه شنبه، ۱۴ اکتبر اعلام کرد که نیروهای اسرائیلی در دو حادثه جداگانه، ۶ فلسطینی را کشته اند؛ اسرائیل نیز گفته است که نیروهای ارتش این کشور به سمت افرادی شلیک کرده اند که به مواضع آن ها نزدیک می شدند.

سخنرانی ترامپ در پارلمان اسرائیل

نشست پارلمان اسرائیل، کنست، با صحبت های امیر او هانا، رییس پارلمان، آغاز شد. او با نام بردن از ترامپ و هیأت همراه او، از جمله مارکو روبیو، وزیر خارجه، استیو ویتکاف، نماینده ویژه آقای ترامپ در امور خاورمیانه، جرد کوشنر، داماد و مشاور، و ایوانکا، دختر ترامپ، به آن ها خوش آمد گفت.

او هانا در سخنرانی طولانی خود تاکید کرد که اسرائیل نمی تواند اجازه دهد «تهدید ایران ادامه داشته باشد. او افزود: دونالد ترامپ، کوروش کبیر این دوران است.

رییس جمهور ایالات متحده آمریکا در سخنرانی طولانی خود در پارلمان اسرائیل، با بیان این که خروج از برجام «کار درستی» بوده، افزود: ما به ایران می گوئیم ما آماده هستیم وقتی شما آماده باشید و این اتفاق خواهد افتاد. ایرانیان مردم سخت کوشی هستند و نمی خواهند شاهد این وضعیت باشند

دونالد ترامپ افزود که ایران نیز به دنبال توافق است: «من به شما اطمینان می‌دهم که دنبال توافق هستید. شاید بگویند نیستیم ولی هستند. نه آمریکا و نه اسرائیل خصوصاً با مردم ایران ندارند.»

ترامپ از رهبران جمهوری اسلامی خواست از تروریسم و حمایت از نیروهای نیابتی دست بکشند و موجودیت اسرائیل «به رسمیت بشناسند.»

رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد: «ما به ایران می‌گوییم ما آماده هستیم وقتی شما آماده باشید و این اتفاق خواهد افتاد. ایرانیان مردم سخت‌کوشی هستند و نمی‌خواهند شاهد این وضعیت باشند.»

او گفت که با همه اینها باز هم به سمت ایران «دست دوستی و همکاری» دراز می‌کند. ترامپ همچنین گفت: «هفتم اکتبر باید برای کشورهایی که در صدد نابودی اسرائیل هستند، درسی باشد که این تلاش‌ها محکوم به شکست است.»

نخست‌وزیر اسرائیل، هم در سخنانش در کنست، از حمایت پراساچه آمریکا از اسرائیل و از «تصمیمات شجاعانه» دونالد ترامپ در جریان جنگ ۱۲ روزه با ایران تشکر کرد. در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با ایران، آمریکا هم شماری از تاسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کرد.

نتانیاهاو گفت: «دونالد ترامپ بزرگ‌ترین دوستی است که اسرائیل هرگز در کاخ سفید داشته است.» بعد از این سخنان نتانیاهاو، فریاد نام «ترامپ» از سوی حاضران در کنست طنین انداخت.

نخست‌وزیر اسرائیل «طرح صلح» ترامپ را «گامی سرنوشت‌ساز» به‌سوی صلح توصیف کرد و افزود: «من متعهد به این صلح هستم، شما متعهد به این صلح هستید، و با هم به این صلح دست خواهیم یافت.»

او در سخنرانی‌اش یک سری تشکر از ترامپ کرد از جمله به رسمیت شناختن «حق حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان»، شکل دادن به پیمان ابراهیم و «کنار کشیدن از توافق هسته‌ای فاجعه‌بار ایران.» نتانیاهاو گفت هیچ رئیس‌جمهور آمریکا به اندازه آقای ترامپ برای اسرائیل نکوشیده است. او سپس به شرحی از حمله هفتم اکتبر حماس و واکنش اسرائیل به آن پرداخت.



«فلسطین را به رسمیت بشناسید»

در روزی که تالار کنست اسرائیل غرق در تشویق‌های ممتد برای سخنرانی دونالد ترامپ بود، دو نماینده حزب «حداش» (ایمن عوده و عوفر کاسیف) برخلاف جریان ایستادند. آنان سکوت رسمی را شکستند و با در دست داشتن پارچه‌نوشته‌ای ساده با این پیام روشن: «فلسطین را به رسمیت بشناسید»، صدایی دیگر را به گوش جهان رساندند؛ صدایی که از دل اقلیت برمی‌خاست اما پژواکش در وجدان جهانیان طنین انداخت.

در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا در میان کف‌زدن‌های نمایندگان، از «پیروزی تاریخی» خود و «صلح جدید خاورمیانه» سخن می‌گفت، عوده و کاسیف با شعارهایی علیه کشتار در غزه و در دفاع از حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین، نظم ساختگی جلسه را در هم شکستند. ماموران امنیتی آن دو را به‌سرعت و با خشونت از صحن علنی بیرون کردند، اما صدای‌شان بیرون از آن دیوارها بلندتر شد. آنان در برابر نگاه جهانیان، تبدیل به نماد اخلاقی مقاومت در برابر سیاست رسمی شدند.

ایمن عوده در سخنانی پس از اخراج از کنست گفت: «ما تنها به این دلیل بیرون انداختند که خواستیم ساده‌ترین مطالبه جامعه جهانی را یادآوری کنیم: به رسمیت شناختن دولت فلسطین. دو ملت در این سرزمین زندگی می‌کنند و هیچ‌یک قرار نیست از اینجا بروند»

در لحظه‌ای که قدرت‌مندان با غرور از پایان جنگ سخن می‌گفتند، این دو نماینده یادآور شدند در پس این «آتش‌بس» هنوز بوی خاکستر و خون می‌آید. بر اساس آمار نهادهای بین‌المللی، از آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون بیش از ۶۷ هزار فلسطینی، عمدتاً زنان و کودکان، در حملات اسرائیل در غزه کشته شده‌اند. از این منظر، مطالبه به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین نه «کمکی بشردوستانه» بلکه حداقل میزان مسئولیت اخلاقی در برابر جنایت‌های رخ داده است.

اخراج عوده و کاسیف از کنست، نه مجازات، بلکه نشانی از شجاعت تعبیر شد؛ نشانه‌ای از آن که حتی در قلب نهادهای که بر پایه قدرت نظامی و برتری طلبی ساخته شده، هنوز می‌توان صدای انسانیت را شنید. در لحظه‌ای که سالن قانون‌گذاری اسرائیل به صحنه ستایش جنگ تبدیل شده بود، این دو قانون‌گذار با فریاد عدالت، یادآور شدند سیاست بدون وجدان، چیزی جز استمرار خشونت نیست. رفتار آنان - برخاسته از جنبش چپ یهودی-عربی حداش - نه صرفاً کنشی اعتراضی، بلکه یادآور سنتی دیرینه از مقاومت مدنی است: ایستادن در برابر اجماع ناعادلانه و تبدیل سکوت اجباری به فریادی جمعی. آنان صدای مردمانی شدند که در پشت دیوارها، زیر بمباران‌ها و در تبعید، هم‌چنان خواهان عدالت‌اند.

در پایان، شاید همان جمله‌ای که یکی از آنان بر زبان آورد، جوهر پیام روز را خلاصه کند: «در مجلسی که تشویق برای ویرانی را جشن می‌گیرد، فریاد ما تنها یادآوری انسانیت بود.»

«صدای مردم» در کنست، هرچند کوتاه و سرکوب‌شده، به ندایی بدل شد که در برابر هیاهوی قدرت، حقیقت را فریاد زد.



فلسطینی‌ها در خان‌یونس، واقع در جنوب نوار غزه، از کامیون‌هایی که تازه رسیده‌اند، مواد غذایی دریافت می‌کنند، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵
 REUTERS - Ramadan Abed-

اختلافات شدید در دولت اسرائیل بر سر صلح غزه

با این حال، باید توجه داشت که همه اظهارنظرهای نتانیاهو و کابینه او، تندروترین دولت متشکل از نیروهای ائتلافی اسرائیل را برعهده دارد؛ جریانی که هیچ اعتقادی به حقوق و استقلال مردم فلسطین ندارد و به‌طور کلی با تشکیل دولت مستقل فلسطین کاملاً مخالف است. گفته می‌شود حتی عدم حضور نتانیاهو در شرم‌الشیخ به دلیل تهدیدهای این نیروهای تندرو بوده است؛ آن‌ها هشدار داده بودند که اگر او برای امضای توافق دو دولتی فلسطین اقدام کند، دولت ائتلافی سقوط کرده و نتانیاهو شکست خواهد خورد.

در این وضعیت داخلی پیچیده، تا زمانی که به مسائل بنیادی فلسطینی‌ها و موضوع اصلی فلسطین و اسرائیل حل و فصل نشود، هیچ انتظاری از تحقق یک صلح واقعی و پایدار و تشکیل دولت مستقل فلسطین نمی‌توان داشت.

بنابراین، بحث تشکیل دولت فلسطین یکی از موانع اصلی پیش روی طرح صلح ترامپ است که او با آن مخالف است. بنابراین تا زمانی که آمریکا این ساختار حقوقی دولت مستقل فلسطین را به رسمیت نشناسد، هم‌چنان قطع‌نامه‌های سازمان ملل درباره فلسطین را وتو کند و اقدام مشخصی انجام ندهد، امیدی به بازسازی غزه نیست. چرا که باید ساختار حقوقی مشخصی که بتواند هم وحدت سرزمینی فلسطینی‌ها را تأمین کند و هم این که دولت به‌عنوان حامی حقوق فلسطینی‌ها برای ساماندهی معیشت و زندگی سیاسی-اجتماعی، امنیتی و دیپلماسی آن‌ها ایجاد شود، در غیر این صورت هیچ انتظاری نباید از پیش‌برد روند صلح داشت.

هم‌زمان با توجه به نقش تخریبی دولت تندرو اسرائیل، هم نتانیاهو با مشکلات جدی داخلی مواجه خواهد شد و هم منطقه، ثبات و آرامش را تجربه نخواهد کرد.

بزالل اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل، روز شنبه گذشته، توقف حملات در غزه را یک «اشتباه بزرگ» خوانده و گفت که این امر به مرور زمان موقعیت اسرائیل را در پیگیری اهدافش برای آزادی گروگان‌ها، حذف حماس و غیرنظامی کردن غزه، تضعیف خواهد کرد.

ایتامار بن‌گور، بزلال اسموتریچ، که احزاب‌شان در مجموع ۱۳ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنست را در اختیار دارند، مدت‌هاست که نتانیاهو را برای رسیدن به اهداف به ظاهر دست نیافتنی در غزه تحت فشار قرار داده‌اند. اگر هر دوی آن‌ها از دولت خارج شوند، احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام بسیار بالا خواهد بود.

شوش بدروسیان، سخن‌گوی دولت اسرائیل، روز یک‌شنبه به خبرنگاران گفت که برخی از بمباران‌ها متوقف شده اما هنوز آتش‌بس برقرار نشده است. او تأکید کرد که ارتش اسرائیل برای «اهداف دفاعی» به عملیات خود ادامه خواهد داد.

ایتامار بن‌گور، وزیر امنیت ملی اسرائیل، روز گذشته در پیمایی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ما تحت هیچ شرایطی نمی‌توانیم با سناریویی موافقت کنیم که در آن سازمان تروریستی‌ای که بزرگ‌ترین فاجعه را برای کشور اسرائیل رقم زده، احیا شود.» او در ادامه ضمن

بیان این که «ما به هیچ وجه در این امر شریک نخواهیم بود»، تهدید کرد که در صورتی که چنین طرحی اجرایی شود، حزبش از ائتلاف دولت اسرائیل خارج خواهد شد.

میچل باراک، تحلیل‌گر سیاسی اسرائیلی، که در دهه ۱۹۹۰ مشاور نتانیاهو بوده، معتقد است که دولت فعلی به پایان خود نزدیک شده، اما با توجه به اینکه مخالفان از طرح ترامپ حمایت می‌کنند و بن‌گویر و اسموتریچ نیز گزینه‌های محدودی برای خروج از ائتلاف دارند، احتمال فروپاشی فوری آن پایین است.

یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون اسرائیل، پیشنهاد داده است که برای جلوگیری از فروپاشی دولت، حمایت پارلمانی خود را ارائه دهد تا طرح ترامپ به سرانجام برسد.

میزان و نحوه خروج نیروهای نظامی اسرائیل چهارمین محور اختلاف است. در طرح آمده است که ارتش اسرائیل «بر اساس معیارها، مراحل و جدول زمانی مورد توافق همه طرف‌ها» از غزه عقب‌نشینی خواهد کرد.

نقشه‌ای که کاخ سفید منتشر کرده، سه مرحله پیشنهادی برای خروج نیروهای اسرائیل را نشان می‌دهد: در مرحله نخست حدود ۵۵ درصد از نوار غزه تحت کنترل اسرائیل باقی می‌ماند، در مرحله دوم ۴۰ درصد و در مرحله نهایی ۱۵ درصد.

مرحله نهایی شامل ایجاد یک «حریم امنیتی» است که «تا زمانی که غزه از هرگونه تهدید تروریستی تازه مصون شود» برقرار خواهد ماند. متن طرح در این بخش مبهم است و هیچ جدول زمانی روشنی برای خروج کامل نیروهای اسرائیل ارائه نمی‌دهد؛ موضوعی که حماس احتمالاً خواهان شفافیت درباره آن خواهد شد.

علاوه بر این، نقشه‌ای که کاخ سفید منتشر کرده با نقشه‌های ارتش اسرائیل از مناطق نظامی هم‌خوانی ندارد و در برخی نقاط نیز مرزهای غزه نادرست ترسیم شده است.

در چنین روندی، درست است که در مرحله نخست برخی توافقات شکل گرفته و ترامپ نیز برای پیش‌برد آن فشار می‌آورد، و حتی شماری از کشورهای عربی نیز ممکن است نسبت به تحقق چنین طرحی بی‌میل نباشند، اما واقعیت این است که موانع پیش‌رو اندک نیست.

هم‌زمان با آغاز نشست شرم‌الشیخ، اجلاس بین‌المللی ویلتون‌پارک درباره بازسازی غزه

هم‌زمان با آغاز نشست شرم‌الشیخ، اجلاس بین‌المللی ویلتون‌پارک درباره بازسازی غزه نیز با حضور مقام‌های سیاسی و نمایندگان شرکت‌های تجاری در انگلیس آغاز شد تا با نوعی تقسیم‌کار میان دیپلماسی سیاسی و اقتصادی، نقش لندن در روند پس‌سازندگی غزه برجسته شود.

کنفرانس سه‌روزه ویلتون‌پارک عصر دوشنبه به میزبانی وزارت امور خارجه انگلیس در منطقه وست‌ساکس آغاز شد. این نشست که با همکاری مصر و تشکیلات خودگردان فلسطین برگزار می‌شود، بخشی از تلاش لندن برای ایفای نقش در مرحله بازسازی غزه پس از دو سال جنگ و ویرانی توصیف شده است.

همیش فالكونر، معاون وزیر امور خارجه انگلیس در امور خاورمیانه در مراسم افتتاحیه، این نشست را «فرصتی تاریخی برای آغاز مسیر صلح و توسعه در غزه» خواند و گفت: «اکنون که توافق صلح اجرا شده، می‌توانیم برای ساختن آینده‌ای روشن‌تر برای مردم فلسطین تلاش کنیم؛ آینده‌ای بر پایه همکاری، اصلاحات اقتصادی و تقویت نهادهای مدنی.»

وی افزود: «انگلیس با همکاری دوستان خود از تشکیلات خودگردان فلسطین و مصر، این نشست را برای بررسی مسیر بازسازی و توسعه اقتصادی برگزار کرده است تا غزه از مسیر ثبات و امید حرکت کند.» فالكونر در بخش دیگری از سخنانش با تمجید از میانجی‌گری‌های آمریکا، قطر، مصر و ترکیه گفت که تلاش این کشورها زمینه‌ساز آغاز روند صلح و بازسازی شده است.

بر اساس اعلام وزارت خارجه انگلیس، تمرکز این نشست بر «بازسازی زیرساخت‌ها، اصلاحات نهادی و احیای ظرفیت‌های اقتصادی» در غزه است. در میان حاضران، نمایندگان از کشورهای اروپایی، سازمان‌های مالی بین‌المللی از جمله بانک جهانی و بانک اروپایی بازسازی و توسعه و چند شرکت فعال در حوزه انرژی، آب و زیرساخت نیز حضور دارند.

هم‌زمان با این نشست، کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس، در اجلاس صلح شرم‌الشیخ شرکت کرده و وعده داده است که لندن در مرحله بازسازی غزه «نقش رهبری‌کننده» ایفا خواهد کرد. او در دیدار با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه، از نقش آنکارا در حصول آتش‌بس قدردانی کرد و گفت: «این لحظه باید نقطه عطفی برای منطقه باشد و ما باید شتاب خود را برای اجرای کامل طرح صلح حفظ کنیم. بریتانیا آماده است در مرحله بعدی نقشی فعال و رهبری‌کننده ایفا کند.»

استارمر هم‌چنین در دیدار با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر، از «رهبری شخصی» وی در روند دستیابی به توافق صلح قدردانی کرد و گفت دیدن آزادی اسرا و ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه، همان چیزی است که جهان در انتظارش بود. وی تأکید کرد: «بریتانیا آماده است در مرحله بعدی صلح مشارکت کند، در مأموریت نظارت بر آتش‌بس حضور داشته باشد و در روند خلع سلاح حماس مشارکت کند تا این گروه دیگر تهدیدی برای آینده غزه نباشد.»

نخست‌وزیر انگلیس، هم‌چنین در حاشیه نشست شرم‌الشیخ با امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه دیدار کرد و دو طرف بر لزوم تمرکز بر اجرای مرحله دوم طرح صلح و تداوم کمک‌های انسانی به مردم فلسطین تأکید کردند. استارمر در دیدار با عبدالله دوم شاه اردن هم بر لزوم حفظ شتاب روند صلح و همکاری نزدیک برای اجرای مرحله بعدی طرح بازسازی و نظارت بر آتش‌بس تأکید کرد.

تحلیل‌گران سیاسی، هم‌زمانی این تحرکات را تلاشی هماهنگ برای تثبیت جایگاه سیاسی لندن در پرونده غزه و نمایش قدرت دیپلماتی اقتصادی آن ارزیابی می‌کنند. ناظران معتقدند دولت استارمر با تقسیم صحنه میان ابتکار سیاسی در شرم‌الشیخ و نشست اقتصادی در ویلتون‌پارک، در پی آن است که برای خود نقشی ماندگار در روند پساجنگ دست‌وپا کند.

با این حال، منتقدان داخلی در انگلیس و شماری از رسانه‌های اروپایی با دیده تردید به این ابتکار می‌نگرند. برخی رسانه‌های انگلیسی از جمله «گاردین» نوشته‌اند که این نشست بیش از آن‌که نشانه رویکردی تازه باشد، تلاشی برای احیای حضور سیاسی لندن در خاورمیانه است.

در همین حال، فعالان مدنی و گروه‌های حامی فلسطین در انگلیس خواستار شفافیت درباره نحوه تخصیص کمک‌های وعده داده شده شده‌اند. دولت انگلیس اعلام کرده است بسته‌ای به ارزش ۲۰ میلیون پوند برای حمایت از پروژه‌های آب، بهداشت و تصفیه در غزه اختصاص می‌دهد که از طریق یونیسف، برنامه جهانی غذا و شورای نروژی پناهندگان هزینه خواهد شد.

ناظران سیاسی در لندن معتقدند برگزاری هم‌زمان نشست‌های ویلتون‌پارک و شرم‌الشیخ، پیام روشنی از تلاش انگلیس برای بازتعریف نقش خود در خاورمیانه پس از دوران انفعال دارد. با این حال بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که هیچ طرح بازسازی پایداری بدون حضور نمایندگان واقعی مردم فلسطین شکل نخواهد گرفت و هر ابتکار خارجی که از درون جامعه غزه مشروعیت نگیرد، در نهایت به سرنوشت پروژه‌های شکست‌خورده گذشته دچار می‌شود.

دولت استارمر در مقابل امیدوار است که این کنفرانس، زمینه‌ای برای حضور بلندمدت انگلیس در روند بازسازی فراهم کند و لندن را از بازیگری حاشیه‌ای به یکی از مدعیان رهبری در عرصه بازسازی و همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل سازد.

تهدید ایران، محرک اصلی همکاری کشورهای عربی و اسرائیل

طبق گزارش مشترک واشنگتن پست و کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی (ICIJ)، اسناد نشان می‌دهد که تهدید ایران محرک اصلی نزدیکی بیش‌تر این کشورها بوده است؛ روابطی که تحت نظارت فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده (سنتکام) شکل گرفته است. یکی از اسناد، ایران و گروه‌های شبه‌نظامی متحدش را «محور شرارت» توصیف می‌کند و سند دیگری نقشه‌ای از غزه و یمن نشان می‌دهد که موشک‌هایی بر فراز آن دو منطقه ترسیم شده‌اند؛ مناطقی که متحدان ایران در آن قدرت دارند.

پنج ارائه پاورپوینت از سنتکام، که کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی آن‌ها را به‌دست آورده و واشنگتن پست نیز آن‌ها را بررسی کرده است، جزئیات شکل‌گیری چیزی را تشریح می‌کنند که ارتش آمریکا آن را «ساختار امنیت منطقه‌ای» می‌نامد. در کنار اسرائیل و قطر، این ساختار شامل بحرین، مصر، اردن، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. در اسناد از کویت و عمان به‌عنوان «شرکای بالقوه» یاد شده است که در جریان همه نشست‌ها قرار داشته‌اند.

این ارائه‌ها دارای طبقه‌بندی محرمانه نیستند و در اختیار شرکای این ساختار، و در برخی موارد هم‌چنین در اختیار اعضای ائتلاف اطلاعاتی «فایو آیز» (استرالیا، کانادا، نیوزیلند، بریتانیا و ایالات متحده) قرار گرفته‌اند. این اسناد بین سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ نوشته شده‌اند؛ یعنی پیش و پس از آغاز جنگ اسرائیل در غزه در اکتبر ۲۰۲۳.

کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی (ICIJ) و روزنامه واشنگتن پست با تطبیق جزئیات کلیدی این اسناد با بایگانی‌های رسمی وزارت دفاع آمریکا، اسناد نظامی بایگانی‌شده و دیگر منابع علنی، اصالت آن‌ها را تایید کرده‌اند. تاریخ و مکان رزمایش‌ها و نشست‌های نظامی اعلام‌شده به‌طور عمومی، با گزارش‌های رسمی ارتش ایالات متحده منطبق بوده است و نام، درجه و سمت مقام‌های نظامی آمریکایی و خارجی نیز با سوابق عمومی مطابقت داشته است.

مقام‌های «سنتکام» از اظهار نظر برای این گزارش خودداری کردند. اسرائیل و شش کشور عربی عضو این ساختار نیز به درخواست‌ها برای اظهار نظر پاسخی ندادند.

یکی از نشست‌ها، که در ژانویه در پایگاه نظامی فورت کمپبل در ایالت کنتاکی برگزار شد (در فاصله حدود یک ساعت رانندگی از نشویل)، شامل جلساتی بود که در آن نیروهای آمریکایی به شرکای خود آموزش می‌دادند چگونه تهدیدهایی را که از سوی تونل‌های زیرزمینی متوجه‌شان است شناسایی و خنثی کنند؛ ابزاری کلیدی که حماس در نوار غزه علیه ارتش اسرائیل به‌کار گرفته است. در سند دیگری اشاره شده که نیروهایی از شش کشور در رزمایشی برای نابودسازی تونل‌های زیرزمینی شرکت داشته‌اند، هرچند نام کشورها ذکر نشده است.

نیروهای سنتکام، هم‌چنین نشست‌های برنامه‌ریزی‌ای را رهبری کرده‌اند که هدف از آن‌ها اجرای عملیات اطلاع‌رسانی برای مقابله با روایت ایران بوده است. روایتی که ایران خود را «حامی منطقه‌ای فلسطینیان» معرفی می‌کند. بر اساس یکی از اسناد سال ۲۰۲۵، این عملیات‌ها هم‌چنین با هدف «ترویج روایت شرکای منطقه‌ای درباره‌ی شکوفایی و همکاری منطقه‌ای» طراحی شده‌اند.

در حالی که همکاری‌های امنیتی با اسرائیل پشت درهای بسته گسترش می‌یافت، رهبران عرب در سطح علنی جنگ اسرائیل در غزه را محکوم می‌کردند. رهبران مصر، اردن، قطر و عربستان سعودی، کارزار نظامی اسرائیل را مصداق «نسل‌کشی» دانستند. رهبران قطر تندترین مواضع را اتخاذ کردند: امیر قطر در سخنانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر، این درگیری را «جنگی نسل‌کشانه علیه مردم فلسطین» توصیف کرد و اسرائیل را به‌عنوان «کشوری با رفتار خصمانه با محیط پیرامون خود و همدست در ایجاد نظامی آپارتایدی» مورد انتقاد قرار داد. وزارت خارجه عربستان سعودی نیز در ماه اوت اسرائیل را به «گرسنگی دادن» و «پاک‌سازی قومی» فلسطینیان متهم کرد.

در اشاره‌ای به حساسیت‌های سیاسی، در اسناد تأکید شده است که این همکاری «تشکیل یک ائتلاف جدید» نیست و تمامی نشست‌ها باید «به صورت محرمانه برگزار شوند».

امیل حکیم، مدیر امنیت منطقه‌ای در «موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی» (IISS)، اندیشکده‌ای مستقر در لندن، گفت ایالات متحده مدت‌هاست امیدوار است که همکاری نظامی میان اسرائیل و کشورهای عربی به عادی‌سازی سیاسی روابط میان آن‌ها بینجامد. او افزود، هرچند همکاری پنهانی با فرماندهان نظامی این کشورها می‌تواند از درگیری‌های سیاسی آشکار پرهیز کند، اما این رویکرد در عین حال «واقعیت تنش‌های میان طرف‌ها را پنهان یا کم‌رنگ می‌کند».

به گفته امیل حکیم، این تنش‌ها پس از حمله اسرائیل به قطر به روشنی آشکار شد: «یکی از اعضای کلیدی این تلاش آمریکایی به دیگری حمله کرده است، در حالی که آمریکا در نگاه دیگران یا بی‌تفاوت، یا همدست، یا ناآگاه جلوه می‌کند. این بی‌اعتمادی حاصل، تلاش‌های آمریکا را تا سال‌ها تحت الشعاع قرار خواهد داد.»

مقام‌های نظامی ایالات متحده وجود چنین شراکتی را به طور علنی تأیید کرده‌اند، اما درباره گستره همکاری اسرائیل و کشورهای عربی در چارچوب آن سخنی نگفته‌اند. در سال ۲۰۲۲، ژنرال کنت «فرانک» مک‌کنزی، فرمانده وقت سنتکام، در جلسه‌ای در کنگره، این همکاری را تلاشی دانست که «بر پایه شتاب ایجاد شده از توافقاتی ابراهیم» بنا شده است؛ توافقی‌هایی که روابط دیپلماتیک اسرائیل را با مراکش، امارات متحده عربی و بحرین برقرار کرد.

اسناد فاش شده نشان می‌دهند که محور اصلی این ساختار - طرح دفاع هوایی مشترک برای مقابله با موشک‌ها و پهپادهای ایران - طی سه سال گذشته از سطح نظری به مرحله عملی رسیده است. اسرائیل و کشورهای عربی در یک کنفرانس امنیتی در سال ۲۰۲۲ این طرح را امضا کردند و توافق نمودند که رزمایش‌های نظامی هماهنگ برگزار کرده و تجهیزات لازم را برای اجرای آن تهیه کنند. بر اساس این اسناد، تا سال ۲۰۲۴ سنتکام موفق شده بود بسیاری از کشورهای شریک را به سامانه‌های خود متصل کند، به گونه‌ای که آن‌ها قادر بودند داده‌های راداری و حسگری خود را در اختیار ارتش ایالات متحده قرار دهند و در مقابل، به داده‌های ترکیبی همه شرکا دسترسی داشته باشند.

در یکی از اسناد توجیهی آمده است که شش کشور از میان هفت شریک این ساختار، از طریق سامانه‌های وزارت دفاع ایالات متحده تنها به بخشی از تصویری هوایی از منطقه دسترسی دارند و دو کشور نیز داده‌های راداری خود را از طریق یکی از اسکاادران‌های نیروی هوایی آمریکا به اشتراک می‌گذارند. هم‌چنین کشورهای شریک در حال پیوستن به سامانه پیام‌رسان امنی هستند که توسط ایالات متحده اداره می‌شود تا بتوانند با یکدیگر و با ارتش آمریکا ارتباط برقرار کنند.

با این حال، این سامانه دفاع هوایی نتوانست از قطر در برابر حمله ۹ سپتامبر اسرائیل به پایتختش حفاظت کند. ژنرال درک فرانس، از فرماندهان نیروی هوایی آمریکا، به خبرنگاران گفت که سامانه‌های ماهواره‌ای و راداری ایالات متحده هشدار اولیه‌ای درباره آن حمله صادر نکردند، زیرا این سامانه‌ها «به طور معمول بر ایران و سایر مناطقی متمرکزند که احتمال می‌دهیم حمله‌ای از آن‌جا صورت گیرد.» قطر نیز اعلام کرد که سامانه‌های راداری‌اش در شناسایی پرتاب موشک‌ها توسط جنگنده‌های اسرائیلی ناکام مانده‌اند.

گرچه قطر و عربستان سعودی روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارند، اسناد سنتکام نشان می‌دهند که هر دو کشور قدرتمند حوزه خلیج فارس، نقشی پشت‌پرده و بسیار مهم در این همکاری نوپا ایفا کرده‌اند.

کنفرانس امنیتی ماه مه ۲۰۲۴ در پایگاه هوایی العدید، نمادی از افزایش همکاری‌ها بود؛ در آن نشست، مقام‌های اسرائیلی گفت‌وگوهای دوجانبه‌ای با نمایندگان هر یک از کشورهای عربی حاضر برگزار کردند.

این کنفرانس، هم‌چنین حساسیت‌های دیپلماتیکی را که چنین گردهمایی‌هایی دربر دارند برجسته کرد. در بخشی از دستورالعمل با عنوان «نباید انجام شود» از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود که از گرفتن عکس یا دادن هرگونه دسترسی به رسانه‌ها خودداری کنند. یادداشتی با حروف درشت در بالای برنامه روزانه نیز کارکنان را از محدودیت‌های غذایی برای شرکت‌کنندگان یهودی و مسلمان آگاه می‌کرد: «گوشت خوک و سخت‌بوستان ممنوع.»

عربستان سعودی نقشی فعال در این همکاری ایفا کرده است و اطلاعات امنیتی خود را در حوزه‌های گوناگون با اسرائیل و دیگر شرکای عرب به اشتراک گذاشته است. در یکی از نشست‌ها در سال ۲۰۲۵، یک مقام سعودی به همراه یک مقام اطلاعاتی آمریکایی، گزارشی اطلاعاتی از تحولات سیاسی سوریه برای شرکا ارائه دادند که شامل نقش روسیه، ترکیه و نیروهای کرد در آن کشور می‌شد. این جلسه، هم‌چنین به بررسی تهدیدهای ناشی از سازمان حوثی مورد حمایت ایران در یمن و فعالیت‌های سازمان داعش در سوریه و عراق پرداخت. برنامه‌ریزان نظامی سنتکام در حال کار بر روی گسترش بیش‌تر روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی در سال‌های آینده هستند. در یکی از اسناد توجیهی سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی شده است که تا پایان سال ۲۰۲۶ «مرکز مشترک سایبری خاورمیانه» ایجاد شود تا به عنوان مقر آموزشی و عملیاتی برای آموزش و اجرای رزمایش‌های دفاع سایبری عمل کند. سند دیگری نیز خواستار ایجاد «مرکز ادغام اطلاعات» شده است تا کشورهای شریک بتوانند «عملیات در حوزه اطلاعاتی را به سرعت طراحی، اجرا و ارزیابی کنند.»

نظم نوین خاورمیانه

طرح «نظم نوین خاورمیانه»، فقط یک بازی سیاسی نیست؛ پروژه‌ای استراتژیک در غرب آسیا است، محیطی کنترل‌پذیر، تابع و سازگاربرای حذف استقلال ملت‌ها و به خصوص تحمیل منافع و آمریکا و اسرائیل.

خاورمیانه با جنایت جنگی و تجاوز امپریالیستی و نقض قوانین بین‌الملل، تجارب فراوانی داد. با این وجود، در دوره‌های گذشته، به اندازه دوره کنونی که به این شکل، آشکارا و صریحا به نظم نوین خاورمیانه تاکید شود، نبود. حتی در مورد تهاجم نظامی به عراق و افغانستان در ابتدای قرن، آمریکا تلاش می‌کرد در نهادهای بین‌المللی با دروغ‌پردازی و دادن اطلاعات غلط، تخطی از قوانین و قواعد بین‌المللی را با همان قواعد و قوانین تطبیق دهد. اما، در نسل‌کشی غزه و تهاجم نظامی به ایران توسط ارتش اسرائیل و حمله به مراکز هسته‌ای ایران توسط ارتش آمریکا حتی تلاشی برای توجیه این تخطی از قواعد بین‌المللی صورت نگرفت و همین نهادها نیز ناتوان از صدور قطع‌نامه موثری علیه تخطی مکرر از همان قوانینی هستند که خود صادر کرده‌اند.

وقتی ترامپ با این اظهار خبرنگار روبه‌رو شد که تولسی‌گبرد رییس نهاد اطلاعات ملی آمریکا با اتکا به ارزیابی‌های نهادهای اطلاعاتی و سیا اذعان کرده که هیچ اطلاعی در دست نیست که نشان دهد ایران تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای داشته؛ ترامپ تنها پاسخ داد: «حرف‌های او برایم هیچ اهمیتی ندارد» و «او اشتباه می‌کند».

تحقق این نظم نوین خاورمیانه به عوامل متعددی وابسته است، چرا که مهم‌ترین مسئله فلسطین و اسرائیل در خاورمیانه تشکیل دو دولت مستقل است. تشکیل دولت نیز منوط به بازگشت و حل مشکل مهاجران و تعیین مرزها است. تا این گونه مسائل که حدودا ۷۵ سال به طول انجامیده رفع نشود، تمام طرح‌های موسوم به صلح یا نظم جدید، صرفا چند روزی در تیت‌ر رسانه‌ها خواهند ماند و سپس فراموش خواهند رفت.

بنابراین، هر طرحی برای نظم جدید خاورمیانه تا زمانی که به ریشه‌های واقعی بحران نپردازد از جمله موضوع تعیین مرزها و اشغال اسرائیل، آوارگان فلسطینی، تشکیل دولت مستقل برای تامین حقوق طبیعی، سیاسی و اجتماعی فلسطینی‌ها، محکوم به شکست است. هیچ نظمی را نمی‌توان صرفا با دیکته بیرونی یا فشار آمریکا ایجاد کرد.

از طرفی در واقع، بخشی از بازیگران فعلی از نتانیاهو گرفته تا ترامپ و حتی برخی دولت‌های عربی که صحبت از نظم جدید می‌کنند درگیر سوریه، لبنان، یمن، عراق و مهم‌تر از همه ایران هستند. درست است که ایران و گروه‌های مقاومت وابسته به آن، شدیداً آسیب دیده‌اند، اما این به معنای پایان یافتن آن دخالت جمهوری اسلامی ایران نیست. سیاست‌هایی جاری منطقه، طی دهه‌های پیچیده‌تر و بحرانی‌تر شده‌اند از جمله اشغال سرزمین‌های فلسطینی، توسعه شهرک‌سازی در کرانه باختری و غزه.

از سوی دیگر، شهباز شریف نخست وزیر پاکستان در نشست مذکور ادعا کرد: امروز بزرگ‌ترین روز در تاریخ نوین است؛ زیرا صلح پس از تلاش‌های طاقت‌فرسا حاصل شد! ما دوباره رییس جمهور ترامپ را برای جایزه صلح نوبل نامزد می‌کنیم! رییس جمهور ترامپ بهترین نامزد جایزه صلح نوبل است زیرا او جان میلیون‌ها نفر را نجات داده است!

شهباز شریف در حالی، چنین ادعایی را پیش می‌کشد که خود درگیر جنگ‌های موضعی با هند و افغانستان است و درست همین روز پلیس پاکستان به تظاهرکنندگان تیراندازی کردند و تعدادی را کشت و یا زخمی کرد.

تحریک لبیک پاکستان روز پنج‌شنبه تظاهرات خود را در لاهور آغاز کرد و قصد داشت به سمت سفارت آمریکا در اسلام‌آباد راهپیمایی کند، اقدامی که باعث شد مقامات این کشور راه‌های بین دو شهر را مسدود کرده و اینترنت را قطع کنند.

ابوسفیان، یکی از معترضان و از اعضای این گروه به خبرگزاری فرانسه گفت: «نیروهای پلیس ما را محاصره کرده بودند. آن‌ها با گلوله و گاز اشک‌آور به ما حمله کردند. سه تا چهار ساعت پی‌وقفه شلیک می‌کردند.»

این گروه در ابتدا اعلام کرده بود که این تظاهرات برای اعلام مخالفت با آتش‌بس میان اسرائیل و حماس برگزار شده است، آتش‌بسی که با میانجی‌گری آمریکا و حمایت پاکستان، پس از دو سال جنگ در غزه برقرار شد. اما بعداً اعلام کرد که این تظاهرات در همبستگی با مردم فلسطین برگزار شده است.

در بیانیه پلیس آمده است: «یک افسر پلیس و چهار غیرنظامی کشته شده‌اند و چندین نفر از آشوب‌گران بازداشت شده‌اند.» به گفته پلیس پاکستان، در نتیجه این اعتراضات، ۴۸ نفر از نیروهای امنیتی و هشت غیرنظامی نیز زخمی شده‌اند. مهم‌تر از همه، هیچ‌کدام از سخنرانان در این نشست، ۲ سال نسل‌کشی اسرائیلی در غزه را محکوم نکردند.



نیروهای حماس در غزه

مدیریت آینده غزه

در طرح ترامپ آمده است که حماس در آینده هیچ نقشی در غزه نخواهد داشت و اداره این منطقه به صورت موقت به یک نهاد انتقالی متشکل از تکنوکرات‌های فلسطینی سپرده می‌شود که زیر نظر «شورای صلح» به ریاست و مدیریت دونالد ترامپ فعالیت خواهد کرد. تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، نیز در این شورا حضور خواهد داشت. اداره نوار غزه در نهایت به تشکیلات فلسطینی واگذار خواهد شد. اگرچه نتانیاهو با تمام ۲۰ بند طرح ترامپ موافقت کرده، اما هفته گذشته در حالی که در کنار رئیس‌جمهور آمریکا روی سکو ایستاده بود، با نقش تشکیلات فلسطینی در اداره غزه مخالفت کرد و گفت این نهاد هیچ نقشی در اداره آن سرزمین نخواهد داشت. این یکی از موارد متعدد طرح ترامپ است که برای تندروهای ملی‌گرای افراطی در ائتلاف حاکم به رهبری نتانیاهو قابل قبول نیست. بسیاری از آنان خواهان حفظ کنترل اسرائیل بر نوار غزه و بازسازی شهرک‌های یهودی در آن هستند. حماس در واکنش خود اعلام کرده است که انتظار دارد در آینده به عنوان بخشی از «جنبش واحد فلسطینی» در غزه نقش داشته باشد. هرچند این عبارت مبهم است، اما به احتمال زیاد برای ترامپ و اسرائیل قابل قبول نخواهد بود.

نزدیک ۷۰ هزار کشته و ۱۷۰ هزار زخمی، ۹۰ درصد خانه‌ها آسیب دیده یا ویران شده... ارتش اسرائیل به‌طور عمدی غیرنظامیان را کشته، زیرساخت‌های حیاتی را نابود کرده با تداوم محاصره، وضعیتی پدید آورده که هیچ ارتباطی با هدف اعلام‌شده، یعنی نابودی حماس و آزادسازی گروگان‌ها، ندارد. در ماه نوامبر ۲۰۲۴ نیز دیوان کیفری بین‌المللی از وقوع «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» ابراز نگرانی کرد و برای نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، و وزیر دفاع پیشین او، یوآو گالانت، حکم بازداشت صادر نمود. از آغاز جنگ، گزارش‌های دلخراش یکی پس از دیگری به دست جهانیان می‌رسد: «ویران‌سازی نظام‌مند»، «ریشه‌کن کردن زندگی» یا «نسل‌کشی»، همه به این نتیجه رسیدند که اسرائیل قصد نابودی مردم غزه را دارد.

اخیراً کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، اعلام کرد که بر پایه کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی مصوب ۱۹۴۸، کشتارهای ارتکاب‌یافته از سوی اسرائیل چهار مورد از پنج معیار تعریف‌شده برای «نسل‌کشی» را در بر می‌گیرد. فراتر از ملاحظات حقوقی، یافته‌های کارشناسان سازمان ملل به خودی خود گویاست، ده‌ها هزار غیرنظامی فلسطینی در خانه‌هایشان، در خواب، در بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد، پناهگاه‌های بشردوستانه یا هنگام توزیع مواد غذایی کشته شده‌اند. صدها روزنامه‌نگار، کادر درمان و امدادگر به‌طور عمدی هدف قرار گرفته و جان باخته‌اند. بازرسان هم‌چنین از موارد متعدد قتل در جریان عملیات تخلیه گزارش داده‌اند. آنان می‌نویسند: «نیروهای امنیتی اسرائیل کاملاً می‌دانستند که غیرنظامیان فلسطینی در مسیرهای تخلیه و مناطق امن حضور دارند، با این حال به‌سوی غیرنظامیان تیراندازی کردند و شماری از آنان (از جمله کودکان) را که پرچم سفید دست‌ساز به‌دست داشتند، کشتند. کودکان، حتی خردسالان، هدف تک‌تیراندازها قرار گرفتند و به سرشان شلیک شد.»

ارتش اسرائیل علاوه بر این از «بمب‌های غیردقیق و غیرتفکیک‌گر» با قدرت تخریبی بالا در محله‌های پرجمعیت استفاده کرده است. این ارتش، تقریباً همه زیرساخت‌های بهداشتی غزه، از کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن تا زایشگاه‌ها و نانواپی‌ها را نابود کرده است. یک کارشناس نظامی به بازرسان گفته است: «اسرائیل در کم‌تر از یک هفته به اندازه بمباران یک‌ساله آمریکا در افغانستان، بر فراز غزه بمب می‌ریزد، آن‌هم در منطقه‌ای بسیار کوچک‌تر و با تراکم جمعیتی بسیار بالاتر.» در طول دو سال گذشته، این سرزمین به تلی از خاکستر بدل شده و کل جمعیت آن (بیش از دو میلیون نفر) جابه‌جا شده‌اند، بسیاری از آنان چندین بار.

«ما دستور محاصره کامل غزه را صادر می‌کنیم. نه برق، نه غذا، نه آب، نه سوخت. همه‌چیز مسدود می‌شود. ما با حیوانات انسان‌نما می‌جنگیم، پس بر همان اساس عمل می‌کنیم.» (یوآو گالانت، وزیر دفاع، ۹ اکتبر ۲۰۲۳)

در ۱۹ مارس گذشته، وزیر دفاع جدید، اسرائیل کاتس، بار دیگر تهدید کرد: «گروگان‌ها را آزاد کنید و حماس را بیرون بپندازید، در غیر این صورت، وضعیت جایگزین چیزی جز ویرانی و نابودی کامل نخواهد بود.» سپس در ۶ مه، بزلال اسموتریچ، وزیر دارایی و رهبر راست افراطی، اعلام کرد که «غزه به‌طور کامل نابود خواهد شد. به این ترتیب، اسرائیل همانی را اجرا می‌کند که می‌گوید و همانی را که می‌گوید اجرا می‌کند. «غزه می‌سوزد»، این جمله‌ای بود که کاتس با افتخار در ۱۶ سپتامبر اعلام کرد.

رهبران اروپایی و غیراروپایی که از جمله در نشیت شرم‌الشیخ شرکت داشتند نمی‌توانند مدعی شوند که از ماجرای خبر بوده‌اند. طبق حقوق بین‌الملل، آن‌ها موظف بودند برای جلوگیری از وقوع آن‌چه این دیوان عالی سازمان ملل «لأه»، «نسل‌کشی» اعلام کرد، اقدامات لازم و موثر را انجام دهند. اما آن‌ها چه کردند؟ هیچ. اتحادیه اروپا، علیه اسرائیل هیچ کاری انجام نداده است. سلاح‌هایی را که بخش عمده زرادخانه اسرائیل را تشکیل می‌دهد، متوقف نکردند. اتحادیه اروپا نخستین شریک تجاری اسرائیل، دومین تامین‌کننده سلاح آن و یکی از مقاصد اصلی تعطیلات برای شهروندان اسرائیلی است. دولت‌های فرانسه، ایتالیا، یونان و بلژیک اجازه دادند کشتی‌های حامل سلاح برای اسرائیل در بنادرشان پهلو بگیرند. با وجود حکم بازداشت صادرشده از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، امانوئل مکرون نیز دو بار (در فوریه و آوریل ۲۰۲۵) به بنیامین نتانیاهو اجازه داد از حریم هوایی فرانسه عبور کند. رهبران اروپایی نه‌فقط با سکوت و انفعال، بلکه با پشتیبانی مادی مستمر در کنار تل‌آویو ایستاده‌اند.

به گزارش لوموند دیپلماتیک از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، اتحادیه اروپا بیش از صد و سی پروژه از این دست را تایید کرده است: از جمله با شرکت صنایع هوافضای اسرائیل، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تسلیحات در این کشور، با موسسه علمی وایزمن (که بخش عمده تحقیقات مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل را انجام می‌دهد) و نیز با دانشگاه بن‌گوریون که با مدرسه پرواز نیروی هوایی اسرائیل

همکاری داوطلبانه دارد و... اروپا هم چنین به شرکت های اروپایی که به ارتش اسرائیل تجهیزات می فروشند از جمله لئوناردو، راین متال، رولز رویس، نامو، و تیسن کروپو... کمک مالی می کنند.

چرا ترامپ و نتانیاهو این همه به غزه توجه دارد؟

اما مهم ترین هدف ترامپ و نتانیاهو، اکتشاف نفت و گاز در آب های مدیترانه توسط دولت اسرائیل، جاه طلبی های دولت اسرائیل در ثروت های نفتی و گازی حوزه مدیترانه شرقی تمامی ندارد.

در این میان، مقامات وزارت انرژی دولت اسرائیل توانستند بازار داخلی خود را با منابع گازی تضمین کنند و ۷۰ درصد از نیازهای برق این کشور توسط گاز استخراج شده از آب های فلسطین در دریای مدیترانه تامین می شود. همه این ها مصادف بود با کشف ذخایر گاز طبیعی در آب های سرزمینی فلسطین در نزدیکی سواحل غزه که بین دو میدان توزیع شده است: میدان گازی مارین و میدان مرزی دریایی در شمال غزه که اسرائیل از گذشته تاکنون چشم طمع خود را از این میادین هم برنداشته اند.

در این میان، نقشه انرژی اسرائیل، شامل میادین گازی لویتان، تمار، سکوه های استخراج گاز در مقابل سواحل عسقلان و حيفا، ایستگاه های پمپاژ و استخراج گاز برای مایع سازی آن و انتقال به شرکت گاز «مدکو» مصر در سینا و هم چنین ایستگاه های تصفیه و کاهش فشار می شود که با پمپاژ از طریق شبکه ای از خطوط به بازار محلی، مرتبط هستند.

محرومیت مردم فلسطین از میلیاردها دلار ثروت گازی

مقامات وزارت انرژی دولت اسرائیل، همچنان در حال مذاکره با شرکت آمریکایی «شارون» برای ایجاد ایستگاه های مایع سازی گاز در سواحل فلسطین هستند. شرکت انگلیسی بریتیش که دو میدان گازی را در سواحل غزه کشف کرده است، میزان ذخایر گاز طبیعی در آن را حدود یک و نیم تریلیون فوت مکعب تخمین زده است و بر اساس برآوردها ارزش کل بازار گاز در این دو میدان بیش از ۶ تا ۸ میلیارد دلار است.

هم چنین اکتشافات نفت و گاز طبیعی در دریای «لوانتین» یا دریای «شام» در شرق دریای مدیترانه به میزان ۱۲۲ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی به ارزش خالص ۴۵۳ میلیارد دلار و ۱/۷ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال، به صورت خالص برآورد می شود که ارزشی در حدود ۷۱ میلیارد دلار دارد. لازم به ذکر است که این برآوردها مربوط به سال ۲۰۱۷ است و ارزش این ذخایر منابع طبیعی در دوره کنونی بسیار بیش تر شده است.

در سال ۲۰۲۱، سازمان زمین شناسی آمریکا ذخایر گاز در شرق مدیترانه را حدود ۲۸۶,۲ تریلیون فوت مکعب گاز برآورد کرد. بر اساس این برآوردها، مجموع تولید میدان گازی لویتان سالانه حدود ۱۲ میلیارد متر مکعب برآورد می شود و این میزان به تدریج به حدود ۲۱ میلیارد متر مکعب در سال افزایش خواهد یافت.

هم چنین ذخایر میدان گازی تمار حدود ۲۸۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است و تولید آن از سال ۲۰۱۳ آغاز شد. سکوی گازی تمار بین ۷,۱ تا ۸,۵ میلیون متر مکعب در روز گاز طبیعی تولید می کند.

بر این اساس، دولت اسرائیل با صدور گاز غارت شده فلسطینی ها و انعقاد قرارداد با کشورهای همسایه با مشارکت اتحادیه اروپا، به دنبال بهره برداری از منابع طبیعی فلسطین و دستیابی به اهداف استعماری و اقتصادی خود است.

گزارش های سازمان ملل نشان می دهد که دولت اسرائیل، فلسطینی ها را از بهره مندی از ثروت طبیعی خود که میلیاردها دلار تخمین زده می شود باز می دارد و از طریق جنگ ویرانگر کنونی به دنبال آواره کردن مردم نوار غزه و بهره برداری بیش تر از منابع طبیعی فلسطینی هاست. دولت اسرائیل، مانع رسیدن تشکیلات خودگردان فلسطین به چاه های انرژی، چه در مرزهای کرانه باختری با رود اردن و چه در آب های سرزمینی در سواحل غزه می شود. کرانه باختری اکنون در اشغال مستقیم دولت اسرائیل قرار دارد و به ساکنان غزه هم اجازه دسترسی به بیش از ۷ کیلومتر به دریا داده نشده است.

دولت اسرائیل، از هرگونه فرصت برای فلسطینی ها جهت بهره برداری از میادین گازی در سواحل غزه جلوگیری کرده است. دولت اسرائیل، هم چنین محدودیت های زیادی برای فلسطینی ها ایجاد کرده که از انتقال گاز فلسطین در اراضی اشغالی ۱۹۴۸ به دیگر مناطق جلوگیری می کند.

مرکز تحقیقات جهانی سازی مستقر در شهر مونترال کانادا، در گزارشی تحت عنوان «پاک کردن غزه از نقشه؛ دستور کار پول کلان و مصادره ذخایر دریایی گاز طبیعی فلسطین»، مقالات مفصلی درباره اهداف پنهان تجاوز دولت اسرائیل به نوار غزه ارائه داد.

در این گزارش به شکل مفصل درباره اهداف دولت اسرائیل از آوارگی فلسطینی ها در غزه صحبت و تاکید شده که اسرائیلی ها به دنبال مصادره ذخایر گاز طبیعی غزه هستند.

«میشل چوسودوفسکی» اقتصاددان کانادایی، موسس و رییس مرکز تحقیقات جهانی سازی، اکتبر گذشته گفت که اعلام جنگ بنیامین نتانیاهو علیه غزه، ادامه تهاجم به این باریکه از سال ۲۰۰۸ است. هدف اولیه از این جنگ، اشغال نظامی صریح غزه، اخراج فلسطینی ها از سرزمین خود و مصادره ذخایر گاز طبیعی در نوار غزه است؛ به ویژه آنهایی که در سال ۱۹۹۹ توسط شرکت گاز بریتیش کشف شد.

روزنامه مانیتور هم حدود دو سال قبل از وجود مذاکرات محرمانه میان دولت اسرائیل و کشورهای عربی منطقه، درباره اکتشاف گاز طبیعی در سواحل نوار غزه خبر داده و اعلام کرد که تل آویو عملیات اکتشاف گاز در سواحل غزه را به دلایل امنیتی به تعویق انداخته است.

«حمزه حموشان» نویسنده الجزایری و «کیتی سندول» نویسنده انگلیسی در کتاب «چالش سرمایه‌داری سبز؛ عدالت منطقه‌ای و انتقال انرژی در منطقه عربی»، به توافقات عادی‌سازی دولت اسرائیل با کشورهای عربی اشاره و تأکید می‌کنند که تل آویو در این قراردادهای عادی‌سازی متمرکز بر سیطره بر بخش بزرگی از منابع انرژی و گاز در منطقه است.

به عنوان مثال، در بخشی از این کتاب آمده است: طی سال‌های آینده اردن تمام برق تولید شده خود از مزرعه خورشیدی که در زمین این کشور ساخته می‌شود را سالانه به ارزش ۱۸۰ میلیون دلار به اسرائیل خواهد فروخت و به این ترتیب اسرائیل نیازی به استفاده از ظرفیت خود برای بهره‌برداری از کارخانه نمک زدایی که سالانه ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب به اردن می‌رساند، نخواهد داشت.

این بخشی از هدف دولت اسرائیل برای تقویت بخش‌های انرژی و نمک زدایی آب است. روش نمک زدایی که دولت اسرائیل تا سال ۲۰۳۰ برای تأمین آب به آن تکیه کرده است، بخش بزرگی از مصرف انرژی این رژیم را تشکیل می‌دهد. بنابراین دولت اسرائیل، به دنبال افزایش دسترسی به منابع جایگزین انرژی و عادی‌سازی سبز هستند که این مشکل را برای آن‌ها حل می‌کند.

در این میان، اردن ۷۵ درصد گاز طبیعی خود را وارد می‌کند و طبق قراردادی که با دولت اسرائیل امضا کرده و ارزش آن ۱۰ میلیارد دلار است، میدان گازی لویتان در دریای مدیترانه ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز اردن را طی ۱۵ سال تأمین خواهد کرد.

طبق آنچه که در کتاب مذکور آمده است، اردن هم‌چنان گروگان واردات گاز طبیعی به ویژه از فلسطین اشغالی باقی خواهد ماند و انرژی سبز خود را برای اسرائیلی‌ها صادر می‌کند. بنابراین عادی‌سازی سبز به دولت اسرائیل این امکان را می‌دهد که موقعیت خود را در بخش انرژی و آب در سطح منطقه‌ای و جهانی تقویت کند.

گاز طبیعی از منابع مهم تأمین انرژی دنیا محسوب می‌شود که نقش بسزایی در جلوگیری از رشد فزاینده مصرف زغال سنگ به ویژه در کشورهای درحال توسعه داشته است. منطقه شرق مدیترانه با دارا بودن میدانی گازی از جمله تامر، لویاتان، آفوردیت، الظهر، کالیپسو و گالوکوس یکی از مناطق گازی مهم در جهان محسوب می‌شود. برآوردهای مختلفی در مورد ذخایر گازی این منطقه وجود دارد. دولت اسرائیل که منابع گازی قابل توجهی را در این منطقه اکتشاف کرده، فعالیت‌های اکتشاف و تولید خود را در مارس سال ۲۰۱۳، یعنی ۴ سال پس از کشف گاز در میدان تامر آغاز کرده است. تاکنون حدود ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز از این میدان تولید شده است. بخشی از این تولید، نیاز داخلی دولت اسرائیل را برآورده می‌کند و مابقی آن صادر می‌شود.

دولت اسرائیل پس از توافق با لبنان بر سر مرزهای آبی، امکان صادرات گاز از برخی از میدان‌های گازی سواحل شرق مدیترانه به اروپا را خواهد داشت. استخراج گاز از میدان گازی این منطقه طبق برنامه تعیین شده از ۱۲ میلیارد مترمکعب کنونی به ۲۱ میلیارد مترمکعب افزایش خواهند یافت و از این طریق ظرفیت صادرات گاز دولت اسرائیل به اروپا نیز افزایش خواهد یافت. تحقق این موضوع به این بستگی دارد که آیا زیرساخت جدید برای انتقال گاز ساخته خواهد شد یا خیر.

آیا ترامپ و نتان یاهو، موفق خواهند شد به این منابع عظیم زیرزمینی تسلط پیدا کنند یا نه؟ آینده روشن خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

از چالش‌های قدم بعدی در طرح ترامپ، دولت امنیتی اسرائیل، بحث خلع سلاح حماس و دیگری مسئله اداره غزه است. به نظر، بعید است حماس خلع سلاح کامل خود را به آن راحتی که ترامپ فکر می‌کند، بپذیرد. شواهدی که در دستورهای صادر شده به نیروهایش و بسیج ۷ هزار نیرو برای تأمین امنیت داخلی غزه و درگیری‌های داخلی و مانورهای نیروهای نظامی حماس، بعد از عقب‌نشینی ارتش اسرائیل دیده می‌شود، نشان می‌دهد که این گروه به راحتی حاضر به ترک صحنه نیست.

با این حال، حماس اعلام کرده که اصراری بر اداره غزه ندارد و ترجیح می‌دهد شخصیت‌های ملی فلسطینی مدیریت امور را برعهده داشته باشند. این شرایط نشان می‌دهد که در مرحله دوم مذاکرات صلح، باید انتظار مجموعه‌ای از مسائل و چالش‌ها را داشته باشیم و طبیعی است که با ورود به جزئیات، به تدریج اختلافات بیش از پیش آشکار شود. در این دو محور، نخست بحث خلع سلاح و دوم اداره غزه، ایده ترامپ معرفی هیاتی است که رهبری آن بر عهده خود او باشد و تونی بلر نقش اجرایی را بر عهده گیرد؛ اما من بعید به نظر می‌رسد چنین طرحی تحقق یابد.

اختلافات شدیدی که بر سر صلح غزه در دولت امنیتی اسرائیل راه افتاده است این سؤال را پیش می‌آورد آیا این دولت به بهانه‌ها و توجیهاتی، مجدداً جنگ غزه را از سر خواهد گرفت؟

با این که ترامپ، اخیراً اعلام کرده که در این مدت درباره جزئیات این مسائل گفت‌وگوهایی انجام شده است، اما پذیرش آن از سوی فلسطینی‌ها به‌ویژه سازمان حماس هنوز جای شک و تردید دارد. باید منتظر ماند و دید چه سرنوشتی برای این دو موضوع رقم خواهد خورد: این که آیا حماس با این طرح مخالفت خواهد کرد و اگر چنین شود، آیا منجر به حمله نتانیاها و ارتش اسرائیل به غزه خواهد شد یا وضعیت دیگری پدید خواهد آمد؟

در رابطه با ادعاهای اخیر ترامپ مبنی بر شکل‌گیری نظم جدید در خاورمیانه باید تأکید کرد، در شرایط کنونی و تحولات جهانی و مخصوصاً ارتباطات، نظم جدید خاورمیانه یا به‌طور کلی هر نظمی در هر منطقه از بیرون قابل تحقق نیست.

چرا که چنین نظمی نیازمند شکل‌گیری یک گفتمان غالب و درون‌زا است که از دل مردم منطقه و جنبش‌های اجتماعی نه تنها حکومت‌های منطقه برخیزد. اگر از این منظر به وضعیت موجود خاورمیانه نگاه کنیم، نخست باید توجه داشت که همه کشورهای منطقه یک‌دست نیستند؛ حتی دیدگاه‌های اعراب نسبت به تحولات منطقه‌ای متفاوت است.

حتی اجلاس شرم‌الشیخ نیز صحنه‌ای از رقابت میان مصر، قطر و تا حدودی ترکیه بود؛ سه کشوری که هر کدام تلاش داشتند میزبانی چنین اجلاسی را برعهده گیرند تا جایگاه منطقه‌ای خود را تثبیت کرده و افزایش بدهند. از همین رو، حتی باید در نظر داشته آن‌چه امروز تحت عنوان «صلح ابراهیم» یا «پیمان ابراهیم» مطرح می‌شود، به سادگی قابل تحقق نیست.

گسترش پیمان ابراهیم، از اولویت‌های سیاست خاورمیانه ترامپ است، اما عربستان سعودی صراحتاً اعلام کرده است تا زمانی که جنگ غزه پایان نیابد و مسیری برای تشکیل کشور فلسطین مشخص نشود، روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی نخواهد کرد.

جنگ با حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد؛ زمانی که شبه‌نظامیان ۱۲۰۰ نفر را کشتند و ۲۵۱ نفر را به اسارت گرفتند.

طبق اعلام وزارت بهداشت غزه که تحت اداره حماس است، عملیات تلافی‌جویانه اسرائیل بیش از ۶۷۰۰۰ نفر را کشته است.

باوجود خوش‌بینی ترامپ در مورد توقف جنگ غزه، بسیاری از مسائل بغرنج هم‌چنان پابرجاست.

در همین حال، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و بانک جهانی برآورد کرده‌اند بازسازی غزه بیش از ۷۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت.

نماینده ویژه سازمان ملل گفت: «حجم آوارهای غزه حدود ۵۵ میلیون تُن است؛ معادل ۱۳ هرم بزرگ جیزه. برای سه سال نخست به ۲۰ میلیارد دلار نیاز است و بازسازی کامل ممکن است دهه‌ها طول بکشد.»

با همه آن‌چه که در بالا گفته شد باید منتظر بمانیم و در روزها و هفته‌های آینده ببینیم چه تحولات منفی و مثبتی در غزه روی خواهد داد؟!

پنج‌شنبه بیست و چهارم مهر ۱۴۰۴ - شانزدهم اکتبر ۲۰۲۵